



«ایران» به بهانه عملیات غافلگیرانه «طوفان الاقصی» در سرزمین‌های اشغالی بررسی می‌کند

## نجات منطقه با مقاومت مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی

### گزارش

#### گروه سیاسی

باریکه غزه در روزهای اخیر جلوه‌هایی از قدرت محور مقاومت را در مبارزه با قسوات صهیونیست‌ها به نمایش گذاشته و اینک به نقطه پیوند میان همه انسان‌های آزادیخواهی تبدیل شده است که جهان را عاری از ظلم و خوشنیت می‌خواهند. صحنه‌هایی که در روزهای اخیر به نمایش درآمد، رویارویی مقاومت و اسرائیل را به دوره‌ای متفاوت در تقویم چند دهه‌ای تاریخ جنگ با اشغالگران تبدیل کرد و جبهه مقاومت به پشتوانه حمایت جمهوری اسلامی که هیچ‌گاه در برابر مامشات دولت‌های عربی و جامعه بین‌المللی سکوت

### وقوع انقلاب اسلامی و تکوین هویت جدید

زمانی که انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست، نظام جهانی متأثر از نگاه غرب توسط جامعه جهانی و اغلب کشورهای منطقه خاورمیانه پذیرفته شده بود اما پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ باعث تکوین هویت جدیدی برای ایران در عرصه داخلی و بین‌المللی شد که مهم‌ترین ساختار قوام‌دهنده به آن، هنجارهای نشأت گرفته از

نکرد، در حال ورق زدن برگ تازه‌ای از تاریخ منطقه است. این مهم بهانه خوبی است تا نسبت، تأثیر و تأثر گفتمان انقلاب اسلامی، جبهه مقاومت و ایستادگی در منطقه مورد بازخوانی قرار گیرد و این مهم بررسی شود که وقوع انقلاب چگونه ضمن تأثیر بر معادلات امنیتی خاورمیانه، به شکل گیری زیرمجموعه امنیتی محور مقاومت انجامید تا نمود آن در تقابل با اشغالگران اسرائیل و رد مشروعیت این رژیم جعلی پدیدار شود؛ ائتلافی منطقه‌ای که بازیکران دولتی همچون ایران، سوریه و عراق و بازیگران غیردولتی از جمله حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت در فلسطین مانند جهاد اسلامی، حماس و انتصارالله یمن را شامل می‌شود و هدف پایان دادن به تسلط غرب در منطقه خاورمیانه، مبارزه با رژیم صهیونیستی و دفاع از آزادی فلسطین را جست‌وجو می‌کند. این جبهه‌ای است که منعکس کننده هویت برآمده از انقلاب اسلامی ایران در خارج از مرزهای جغرافیایی اش به شمار می‌آید و زیان مقاومت اسلامی را در ادبیات اسلامی در صحنه مناسبات بین‌المللی بازتاب می‌دهد.

جمهوری اسلامی از طریق تلاش برای اتحاد و ائتلاف با جنبش‌ها و تشکل‌های غیردولتی، کوشید مبارزه با راهبردهای نظم در حال ظهور در منطقه متأثر از متغیرهای فرامنتطقه‌ای را نهادینه کند و مسیر بسیاری از جریان‌های همچون مقاومت را به سمتی هدایت کند تا به صورت نهادهای و سازمان یافته علیه ستم و اشغالگری اقدام کنند. در همین راستا می‌توان به تأثیرگیری ارزش‌ها و بنیان‌های اعتقادی

مقاومت از جمله هنجار مقاومت، خودگامی سیاسی و رواج فرهنگ شهادت به واسطه رشد و ارتقای غیرمستقیم اندیشه انقلاب اسلامی در روند مقابله با جهان غرب اشاره کرد.

### جمله‌هایی از مقاومت نامتقارن

این در حالی بود که موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک ایران به آن جایگاه ویژه‌ای بخشیده و معادلات قدرت در خاورمیانه را

### پیشرفت چشمگیر موشکی

اصلی‌ترین عامل شکست اسطوره‌ای نیروی هوایی اسرائیل، پیشرفت



با دگرگونی روبه‌رو ساخته بود؛ امری که به شکل گیری ترتیبات سیاسی تازه‌ای در مقابله با رژیم صهیونیستی انجامید و امکان شکل گیری یک نظام امنیتی جدید را در منطقه خاورمیانه تسهیل کرد. به این ترتیب انقلاب اسلامی ایران ساختار سیاسی، نحوه توزیع قدرت و بازیگران بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داد و باعث تقویت و ظهور بازیگران غیردولتی از جمله جبهه مقاومت با حضور ایران، سوریه، حزب‌الله لبنان و حماس شد که هدف دفاع از آرمان فلسطین و مبارزه با نظام سلطه را در دستور کار خود قرار دادند. این در حالی بود که شروع جنگ تحمیلی و مقاومت ایران در برابر فشارهای بین‌المللی و حمایت‌های بی‌دریغ بازیگران جهانی از عراق سبب شد موازنه قدرت جدیدی در منطقه شکل گیرد و به بی‌اثر کردن مؤلفه‌های مادی رژیم بعث عراق بینجامد. این مهم از طریق کنش فرهنگی-ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و بهره‌گیری از نیروهای ممکن شد که مفاهیم عقیدتی را به شکل سازمانی برای انجام اقدامات نظامی در حوزه سرزمینی و ایدئولوژیک نهادینه می‌کردند. این نیروها توانستند جلوه‌هایی از مقاومت نامتقارن را در فرایند دفاع در برابر نیروهای تهدیدکننده منطقه‌ای و بین‌المللی به وجود آورند. به این ترتیب انقلاب اسلامی با تبیین اینکه اسلام راه حل و جهاد، وسیله اصلی است، خود در برابر جنگی همه‌جانبه و تحمیلی در برابر عراق و جامعه جهانی ایستاد که رهاورد آن الهام بخشیدن به مبارزات مردم فلسطین و جنبش مقاومت بود و به مبارزه آنان با صهیونیسم جنبه فراملی بخشید.

پس از جنگ ۲۲ روزه (۲۰۰۸-۲۰۰۷) ظهوری پیوسته بود که به شکل گیری یک مؤلفه قدرت فراملی انجامید و چهارچوب‌های امنیتی منطقه خاورمیانه را دچار تحول کرد و به طور خاص امنیت صهیونیست‌ها را به‌عنوان واحدی غیرمشروع و عامل استعمار غرب به چالش کشید.

### از تاکتیک به راهبردی

بتدریج روند وحدت میان اعضای شکل دهنده به محور مقاومت شکل گرفت، سوریه، حزب‌الله و دیگر گروه‌های مبارز از قالب یک وحدت تاکتیکی خارج شد و وجه راهبردی به خود گرفت. اینچنین بود که در سال‌های اخیر به واسطه نوع سیاستگذاری ایران در منطقه

### گروه کانونی مقاومت

اینچنین بود که حزب‌الله لبنان به‌عنوان یکی از گروه‌های کانونی محور مقاومت رابطه تنگاتنگی با جمهوری اسلامی برقرار کرد؛ پیوندی که به واسطه اعتقاد اعضای این جریان مبارز به نظریه ولایت فقیه، انتخاب حکومت جمهوری اسلامی به‌عنوان شیوه حکومت اسلامی مورد اعتقاد مقاومت و نوع مواجهه ایران با سلطه نظام غرب، حاصل شد. زیر سایه چنین پیوندی بود که قدرت محور مقاومت در عرصه‌های فرهنگی، امنیتی و نظامی، علمی و فنی و اقتصادی بتدریج فرونی گرفت و فعالیت اعضای آن به شکل شبکه‌ای و سازمان یافته به پیش رانده شد.

### ضرورت حمایت از فلسطین

برقراری پیوندهای معنوی میان جمهوری اسلامی و جریان مبارزات که به معنای ایستادگی و دفاع از اصول در برابر قدرت‌های مداخله‌گر بود، موجب اتصال همه جریان‌های مقاومت در منطقه با یکدیگر و برابری اشغالگر قدس شد. نوع

نگاه و چگونگی برخورد مقاومت با موضوع فلسطین علاوه بر نگاه منطقه‌ای، به موضوع ایستادگی به هویت اسلامی آنان نیز مرتبط می‌شد. مواضع اعضای این جبهه از جمله حزب‌الله در ضرورت حمایت از فلسطین از طریق تجهیز آنها به سلاح و حمایت لجستیک از نوار غزه نشان‌دهنده تلاش برای ایفای نقشی بود که به نوعی از رویکرد انقلاب اسلامی الهام می‌گرفت. در حقیقت آرمان قدس فلسطین، رابطه و میزان حمایت جمهوری اسلامی از هر جریان و ایدئولوژی را مشخص می‌ساخت و ایران با هیچ گروه یا جریان خاصی رفتاری متفاوت از اصول خویش یعنی مبارزه با رژیم صهیونیستی در پیش نگرفت.

در این مسیر ایستادگی و مقاومت حزب‌الله در مقابل رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۰ و نیز در جنگ ۳۳ روزه (۲۰۰۶)، به نماد و الگویی برای ملت فلسطین تبدیل شد که طلوعه آن در جنگ ۲۲ روزه (۲۰۰۸-۲۰۰۷) پدیدار شد. در حقیقت پیوستگی و نیاز متقابل انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت، به شکل گیری یک مؤلفه قدرت فراملی انجامید و چهارچوب‌های امنیتی منطقه خاورمیانه را دچار تحول کرد و به طور خاص امنیت صهیونیست‌ها را به‌عنوان واحدی غیرمشروع و عامل استعمار غرب به چالش کشید.

### از تاکتیک به راهبردی

بتدریج روند وحدت میان اعضای شکل دهنده به محور مقاومت شکل گرفت، سوریه، حزب‌الله و دیگر گروه‌های مبارز از قالب یک وحدت تاکتیکی خارج شد و وجه راهبردی به خود گرفت. اینچنین بود که در سال‌های اخیر به واسطه نوع سیاستگذاری ایران در منطقه

### گروه کانونی مقاومت

اینچنین بود که حزب‌الله لبنان به‌عنوان یکی از گروه‌های کانونی محور مقاومت رابطه تنگاتنگی با جمهوری اسلامی برقرار کرد؛ پیوندی که به واسطه اعتقاد اعضای این جریان مبارز به نظریه ولایت فقیه، انتخاب حکومت جمهوری اسلامی به‌عنوان شیوه حکومت اسلامی مورد اعتقاد مقاومت و نوع مواجهه ایران با سلطه نظام غرب، حاصل شد. زیر سایه چنین پیوندی بود که قدرت محور مقاومت در عرصه‌های فرهنگی، امنیتی و نظامی، علمی و فنی و اقتصادی بتدریج فرونی گرفت و فعالیت اعضای آن به شکل شبکه‌ای و سازمان یافته به پیش رانده شد.

### ضرورت حمایت از فلسطین

برقراری پیوندهای معنوی میان جمهوری اسلامی و جریان مبارزات که به معنای ایستادگی و دفاع از اصول در برابر قدرت‌های مداخله‌گر بود، موجب اتصال همه جریان‌های مقاومت در منطقه با یکدیگر و برابری اشغالگر قدس شد. نوع

### آینده از خلال پهبادهای سامانه‌های دفاعی اسرائیل را سزدرگم کند.

### هماهنگی و دقت بالای محور مقاومت

در همین زمینه مرکز مطالعاتی آلمان رژیم صهیونیستی با اشاره به اقدامات حزب‌الله برای تقویت ناوگان پهبادی خود گزارش داد که شمار پهبادهای حزب‌الله به ۲ هزار فرافروند می‌رسد که یک پیشرفت بزرگ برای این حزب در حوزه پهبادی است، چرا که حزب‌الله در سال ۲۰۱۳ تنها ۲۰۰ پهباد در اختیار داشت. «یونی‌بن مناخیم» تحلیلگر صهیونیست نیز در همین راستا در گزارشی تصریح کرد که هماهنگی و دقت بالای محور مقاومت در عملیاتی کردن این سلاح تهاجمی جدید (پهباد)، آن را به سلاحی بسیار خطرناک در خاورمیانه تبدیل کرده است، بنابراین تحول در راهبرد مبارزاتی گروه‌های مقاومت اسلامی نقاط ضعف و چالش‌های مهم سامانه‌های پدافندی اسرائیل را آشکار و همچنین اثبات کرد که مبارزات فلسطینی در بکارگیری تاکتیک‌های نظامی و آفندی به توانمندی‌های جدید و بزرگی دست یافته‌اند که از سوی تل‌آویو قابل تصور نبود. این چنین است که می‌توان گفت جنگ آینده در چند جبهه خواهد بود و اسرائیل روزانه با هزاران موشک، راکت و صدها پهباد مورد حمله قرار خواهد گرفت و در نتیجه این حملات، هر روز صدها موضع و مرکز حساس تخریب خواهد شد.

### دیدگاه

### چرا «فنائی‌ها»

### از جنگ فراگیر حذر دارد؟

«مارتین ایندیک»، تحلیلگر آمریکایی در یادداشتی در «فارین افرز» حمله اخیر حماس به اسرائیل را از منظر مؤلفه قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه مورد توجه قرار می‌دهد. او می‌نویسد: «این حمله در حالی روی داد که جهان عرب در حال کنار آمدن با اسرائیل بود. عربستان سعودی درباره عادی سازی با اسرائیل سخن می‌گفت. ایالات متحده آمریکا به عنوان بخشی از این توافق، به تل‌آویو فشار می‌آورد که امتیازاتی به فلسطین بدهد. بنابراین حماس و حامیان پشت‌پرده‌اش از جمله ایران فرصتی دیدند تا کل این فرایند را مختل کنند که به نظر برای هر دوی آنها عمیقاً تهدیدکننده بود.»

او در ادامه افزود: «حماس در جنگ اخیر از دستورات ایران پیروی نکرد اما آنها هماهنگ عمل می‌کنند و نفع مشترکی در مختل کردن روندی دارند که در جریان بود و از حمایت بالایی هم در میان جمعیت‌های عرب برخوردار هستند. ایده‌شان این بود که آن رهبران عربی را که با اسرائیل صلح کرده یا می‌خواستند صلح کنند، شرمزده و ثابت کنند که حماس و ایران، کسانی هستند که می‌توانند شکست نظامی را به اسرائیل تحمیل کنند. بنابراین به محض آنکه مسأله فلسطین در کانون توجه قرار گیرد، عرب‌های اطراف خاورمیانه شاهد خواهند بود که سلاح‌های آمریکایی در دست اسرائیلی‌ها، شمار بزرگی از فلسطینیان را می‌کشد. این یک واکنش بسیار قدرتمند تولید می‌کند و رهبرانی همچون محمد بن سلمان، مایل به ایستادن در برابر این مخالفت نیستند.»

به اعتقاد این تحلیلگر آمریکایی در چنین شرایطی «بنیامین نتانیاهو» از جنگ حذر دارد و محتاط است که جنگ‌های همه‌جانبه‌ای با حضور دیگر قدرت‌های منطقه سر نگیرد. این نتیجه غرور خامی است که اسرائیل دچارش شد و تصور کرد می‌تواند قدرت مقاومت و بازیگران پشت‌پرده‌اش را نادیده بگیرد.

این توهمی است که در نتیجه اتکای صرف به هم‌پیمانی با آمریکا شکل گرفته است. «دیوید اینگلتوس»، روزنامه‌نگار آمریکایی واشنگتن‌پست در این باره می‌نویسد: «توافق عربستان-ایران با حمایت چین چیزی جز تشییع نفوذ آمریکا در شرق جهان عرب نیست؛ نفوذی که مستقیماً وارد مرحله مرگ مغزی شد بعد از اینکه آمریکایی‌ها در پی حمله به عراق در محصه گیر افتادند. به این ترتیب آمریکایی‌ها شکست خوردند و طرح خاورمیانه جدید آمریکا به خاورمیانه ایران تبدیل شد.»

«انگلتوس» درحالی این را نوشت که تل‌آویو، مهم‌ترین هم‌پیمان منطقه‌ای واشنگتن، شکست بی‌سابقه‌ای از گروه‌های مبارز مقاومت در منطقه ورده است. او در گزارشی نوشته است: «کشورهای متحد واشنگتن در منطقه اگرچه دیر اما بالاخره متوجه شدند که آمریکا دیگر نمی‌تواند مانند دهه‌های گذشته از آنها در رویارویی با متحدان تهران و روسیه حمایت کند چرا که هزینه مقابله با ایران بالاتر از سود آن است.» به اعتقاد این تحلیلگر آمریکایی پاسخ آمریکا به حمله آرمکو در ۲۰۱۹ که می‌توانست دفاعی برای متحدانش در مقابل ایران باشد، جدی نبود و این در حالی بود که این رخداد در زمان دونالد ترامپ یعنی قوی‌ترین متحد ریاض اتفاق افتاد. در آن زمان ریاض متوجه شد که ستاره آمریکا رو به افول است و دوره اتکا کردن به حمایت این کشور به سر آمده و این کشور باید به دنبال یک مجموعه‌ای جایگزین و برقراری روابطی باشد که به این کشور امنیت خاطر در منطقه ببخشد. طبیعتاً قطب مقابل واشنگتن که در حال صعود بود، مسکو و پکن بودند اما این دو کشور خود متحد تهران بودند. به همین خاطر دوباره به تهران رجوع شد.

به اعتقاد نویسنده، کشورهای متحد واشنگتن در منطقه بسیار دیر متوجه شدند که در نوازن قدرت در جهان و منطقه تغییراتی رخ داده است و اتکای آنها به واشنگتن، به از دست دادن تمام آنچه به همکاری واشنگتن برای دهه‌ها بنا کرده بودند، منجر شد. در پایتخت‌های جهان عرب از زمان فروپاشی حکومت پیشین عراق، نبردهای سیاسی و نظامی سختی میان متحدان واشنگتن با جریان‌های مورد حمایت ایران درگرفت که نتیجه آنها سیطره مطلق متحدان تهران بود. نتایج این واقعیت که شکست خوردن شرط‌بندی روی قدرت آمریکا را نشان می‌دهد، بیش از هر زمان دیگر برای همگان قابل مشاهده است.

